

ديوان

مجلة علمى تحقيقى بين المللى علوم اسلامى

مجلة دراسات اسلامية، عالمية، علمية، محكمة

International Journal of Islamic Studies

Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۱ شماره: ۰۲ سال: ۱۳۹۹

بررسى روابط ديپلماتيك دولت مدينه با دولت حبشه (حبشستان)

دراسة العلاقات السياسية بين دولة المدينة المنورة والحبشة

Medine ve Habeşistan Devletleri Arasındaki Diplomatik İlişkilerin İncelenmesi

The Diplomatic Relationship Between Madinah States and Habesha States (Ethiopia)

پوهنيار صفى الله منتظر*

Makale Bilgisi / Article Information / معلومات مقاله

Makalenin Türü / Article Type / نوع مقاله : Araştırma Makalesi / Resarch Article / مقاله تحقيقى

Geliş Tarihi / Received Date / تاريخ دريافت مقاله / 23.02.2020

Kabul Tarihi / Accepted Date / تاريخ بديرش مقاله / 04.05.2020

* عضو كادر علمى دانشكده شرعيات دانشگاه بلخ / افغانستان.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

صفی الله منتظر، "بررسی روابط دیپلماتیک دولت مدینه با دولت حبشه (حبشستان)"، *مجله دیوان* ۲/۱ (سرطان ۱۳۹۹)، ۸-۱۲.

Atif

Safiullah Muntazer, "Medine ve Habeşistan Devletleri Arasındaki Diplomatik İlişkilerin İncelenmesi", *Diwan Dergisi* 1/2 (Temmuz 2020), 8-12.

چکیده

حضرت پیامبر (ﷺ) برای دعوت و انتشار اسلام با ملت و دولت های دیگر روابط دیپلماتیک برقرار نموده است. یک بخش بزرگی از این روابط را تماس با حبشه تشکیل میدهد. این روابط با دول دیگر بعد از صلح حدیبیه شکل گرفته، ولی با حبشه از قبل شروع شده و دو مرحله داشته، مرحله روابط مکی و مرحله بعد از صلح حدیبیه، دور مکی با فرستادن یک تیم از مهاجرین به حبشه در سال پنجم بعثت آغاز گردیده مرحله دومی بعد از صلح حدیبیه با فرستادن عمر بن امیه الضمری با دو مکتوب به نجاشی برقرار شده است. نجاشی اولی و نجاشی دومی در حضور حضرت جعفر طیار مسلمان شدند. مهاجرین مقیم در حبشه توسط دو کشتی عیار شده از جانب نجاشی به خیبر آمدند. بعد از فوت نجاشی دومی حضرت پیامبر (ﷺ) برایش در مدینه نماز جنازه غیابی خواندند.

واژه های کلیدی: نجاشی، حبشه، دولت مدینه، جعفر طیار، عمرو بن امیه الضمری.

ملخص

أسس النبي (ﷺ) دولةً تمتدّ علاقاتها السياسية خارج الجزيرة العربية إلى دول أخرى، وذلك لنشر الدعوة الإسلامية، ومنها علاقة الدولة الإسلامية الناشئة بالمدينة المنورة مع الحبشة، و هذه العلاقة مرّت على مرحلتين؛ المرحلة الأولى نشأت بقدم المهاجرين إلى الحبشة في السنة الخامسة من البعثة، وأما الثانية تبدأ بعد صلح الحديبية لما بعث النبي (ﷺ) عُمر بن أمية الضمري بكتابين إلى النجاشي. وكما أرسل (ﷺ) الرُّسُلَ إلى سائر الملوك يدعوهم إلى الإسلام. وقد أسلم النجاشي الأول والثاني لما وفدَ إلى الحبشة أهل الهجرة ومنهم جعفر بن أبي طالب. وحمل النجاشي إلى النبي (ﷺ) أصحابه المهاجرين في سفينتين، فقدموا عليه بخيبر. وعندما بلغ الرسول (ﷺ) نبأ وفاة النجاشي فهو (ﷺ) صلّى عليه صلاة الغائب.

الكلمات المفتاحية: النجاشي، الحبشة، دولة المدينة المنورة، جعفر الطيار، عُمر بن أمية الضمري.

Özet

Hız. Peygamber (s.a.v) İslam'ı yaymak için diğer milletler ve devletler ile diplomatik ilişkiler kurmuştur. Bu diplomatik ilişkilerin içerisinde Habeşistan ile yapılan karşılıklı ilişkiler büyük yer tutmaktadır. Diğer devletlerle yapılan ilişkiler Hudeybiye Anlaşması'ndan sonra başlamıştır. Ancak Habeşistan ile olan ilişkiler Mekke dönemi ve Hudeybiye Anlaşmasından sonra olmak üzere iki dönemden meydana gelmektedir. Mekke dönemi risaletin beşinci yılında bir grup muhacirin Habeşistan'a gönderilmesiyle başlamıştır. İkinci dönem ise Hudeybiye Anlaşması'ndan sonra Amr b. Ümeyye ed-Damrî ile birlikte iki mektubun Habeşistan'a gönderilmesiyle başlamıştır. Birinci ve ikinci Necaşi Hz. Cafer'in huzurunda müslüman olmuşlardır. Habeşistan'da bulunan müslüman muhacirler Necaşi'nin ayarladığı iki gemiyle Hayber'e geldiler. İkinci Necaşi'nin vefatının ardından Hz. Peygamber (s.a.v) Medine'de gıyabî cenaze namazı kıldırdı.

Anahtar Kelimeler: Necaşi, Habeşe, Medine Devleti, Cafer-i Tayyar, Amru b. Ümeyye el-Zamari.

Abstract

Prophet Mohammad (PBUH) has established diplomatic relations with the nations and other governments to invite and spread Islam. A large part of these relationships are in contact with Habasha. These relations with other governments formed after the Hudibia peace, but started with the Habasha before those and had two stages, the Makka relations and the after Hudibia peace, the Makka round began with sending of a team of immigrants to Habasha in the fifth year of Buthat. The second stage after the peace of Hudibia is by sending Omar son of Ummaya al-Dhammari in two letters to Najashi. The first Najashi and the second Najashi became Muslims in the presence of the Hazrat Ja'far. The immigrants residing in Habasha came to Khyber by two Prepared ships from Najashi. After the death of the second Najashi, Prophet Muhammad (PBUH), prayed absence funeral prayer for Najashi.

Keywords: Najashi, Habasha, The Medine States, Jafer Tayyar, Amr bin Umeye ed-Damry.

خداوند "ج" برای رسانیدن پیام خود برای انسان از پیامبران "ع" از نسل فرشته و انسان استفاده بعمل آورده است. پیامبران "ع" هم برای رسانیدن پیام خود و دعوت دیگران از این شیوه استفاده کرده اند. در ادوار مختلف تاریخ ملت ها و دولت ها هم برای برقراری روابط از همین شیوه، تبادل سفیر استفاده نموده اند. همین تبادل سفیر و عملکرد دیپلماتیک از بسیار جنگ های بین دولت ها جلوگیری نموده و منجر به صلح بین ملیت ها دولت ها شده است. حضرت پیامبر ص هم به عنوان آخرین پیامبر برای تمام بشریت برای تبلیغ دین اسلام به سائر ملت ها و دولت ها از همین شیوه فرستادن سفیر استفاده نموده است.

شکی نیست پیامبران و پیروان آنها در اوایل تبلیغ از طرف جباران وقت به مشکلات فراوان روبرو شده اند. خصوصا پیامبر آخر زمان از طرف مشرکین مکه به ظلم و زور گویی های زیاد مواجه شده است. در عین زمان که حضرت پیامبر (ﷺ) و مسلمانان در مکه در مشکلات فراوان قرار داشتند، در آن طرف دریای سرخ دولت بنام حبشه وجود داشت. در راس آن دولت نجاشی قرار داشت. حضرت پیامبر (ﷺ) در سال پنجم بعثت یک جمع از مسلمانان را به عنوان مهاجر به آنجا فرستاد. بناء اولین رابطه خارجی حضرت پیامبر (ﷺ) با حبشه شروع شد.

بررسی چگونگی روابط دیپلماتیک دولت مدینه با دولت حبشه هدف این مقاله را تشکیل میدهد. روابط دیپلماتیک دولت مدینه با دول دیگر اگرچه بعد از صلح حدیبیه آغاز گردید، اما با حبشه سال ها پیش با ارسال مهاجرین و در راس آنها حضرت جعفر طیار شروع شده بود. با وجود که روابط دوره مکی، یک رابطه دیپلماتیک نیست، زیرا در مکه مسلمانان دارای یک دولت مستقل نبودند. لیکن نسبت ارزش و اهمیت که این روابط دارد یک بخش بزرگ این مقاله را احتوا میکند.

در زمان که از چهار طرف بالای مسلمانان ظلم میبارد حتی نزدیکترین اقارب مسلمانان از کوچکترین ظلم دریغ نمیورزند. گویا دنیا به همین بزرگی اش برای مسلمانان یک زندان بوده و از روزنه آن زندان فقط یک طبیعت آزاد و دلکش دیده میشود، که آنجا حبشه بوده و باغبان آن طبیعت زیبا شخصی سیاه پوست سفید دل بنام نجاشی است. این سیاه پوست ناشناس و بیگانه بر مهاجرین فقیر و دردمند و چنان مهربانی میکند که تاریخ دیگر شاهد همچون صحنه نیست. این دور افتادگان از وطن را برای تقریبا دوازده سال همچون مهمان نگهداری میکند. پس با در نظر داشت نکات فوق تحقیق در این مورد از اهمیت ویژه برخوردار است. نتنها نوشتن یک مقاله، بلکه ارزش نوشتن صدها مقاله در مورد وجود دارد. این را باید تذکر بدهم که حاکمان حبشه بنام نجاشی که در کتب تاریخ میگذرد لقب برای حکام حبشه است نام های آنها متفاوت میباشد. از دوره هجرت مهاجرین به حبشه

تا وفات پیامبر (ﷺ) تغییر و تبدیل چند نجاشی در دولت حبشه مشاهده میشود. به همین ملحوظات در این مقاله از نجاشی اول، دوم و سوم سخن به عمل خواهد آمد. قابل یاد آور نیست در قسمت رابطه دولت مدینه با دولت حبشه، اکثر منابع تاریخی اسلام و متون سابق تذکر به عمل آورده اند که از جمله میتوان از سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد، تاریخ طبری به عنوان نمونه ذکر به عمل آورد. در هر کدام از این آثار از روابط نیک دولت حبشه با مهاجرین و دولت مدینه بحث به عمل آمده است. در مسند امام احمد و صحیح مسلم بر علاوه سخن از روابط نیک دولت حبشه، از برخورد منفی دولت حبشه نیز سخن به عمل آمده است. که روی چگونگی موضوع در مقاله دست داشته بحث صورت خواهد گرفت. از نویسندگان عصر جدید، عبدالحی کتانی در بخش از کتاب خویش بنام التراتب الاداریه به روابط دیپلماتیک دولت مدینه با دولت حبشه بحث خوب نموده است. محمد حمیدالله اثری دارد بنام الوثائق السیاسیه دریک بخش از این اثر از مکاتب رد و بدل شده فی ما بین دولت مدینه و دولت حبشه سخن به عمل آورده و در ضمن مکاتب را شماره بندی نموده است. نویسنده در اثری دیگرش بنام "پیامبر اسلام" که اصلا به زبان فرانسوی نوشته شده بعدا به ترکی ترجمه شده است در قسمت روابط دولت مدینه بحث تحقیقی زیبا نموده است. از اثر دیگر که میتوان یاد آور شد کتاب سفراءالنبی نوشته محمود شیت خطاب نویسنده عراقی است، نویسنده مذکور در یک بخش از اثر خود به معرفی سفیران پیامبر (ﷺ) که حبشه رفته اند پرداخته و از توانمندی و موفقیت آنها سخن به عمل آورده است.

اولین رابطه بادولت حبشه

درسال پنجم بعثت یک گروه از مسلمان ها از اثر ظلم مشرکین از مکه به حبشه هجرت نمودند. حضرت جعفر طیار در حبشه به عنوان امیر مسلمان ها و سفیر پیامبر "ص" همیشه به امور مسلمانان رسیدگی میکرد.^۱

قریش بخاطر برگشتاندن دوباره مسلمانان به مکه عمرو ابن العاص و عبدالله بن ابی ربیع را به عنوان سفیر نزد نجاشی به حبشه فرستادند. سفیران مذکور برای نجاشی و ارکان حکومت وی یک مقدار زیاد از هدیه های گران بها را نیز با خود برده بودند. سفیران یاد شده در مورد آن مهاجرین به نجاشی سخنان نادرست گفتند و اتهامات سنگین برای آنها بستند. و همچنان گفتند که دین شما را هم قبول ندارند. از نجاشی تقاضا نمودند تا مهاجرین را به آنها تسلیم نماید، تا آنها را دوباره به مکه ببرند.^۲ نجاشی به سفیران قریش گفت که آنها به ما پناه

^۱ محمود شیت خطاب، سفراءالنبی (بیروت: ریان، ۱۹۹۶)، ۱: ۳۸-۵۷.

^۲ ابو محمد جمال الدین عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، تحقیق. مصطفی سقاء و دیگران (قاهره: مصطفی الحلبي، ۱۹۵۵)، ۱: ۳۳۳. خطاب، سفراءالنبی، ۱: ۵۷.

آورده اند. من آنها را نزد خود دعوت می کنم و اگر گفته های شما درست باشد، آنها را به شما تسلیم می کنم و اگر درست نباشد تسلیم نمی کنم.^۳

نجاشی مهاجرین را به حضور خود دعوت نموده و از نماینده آنها یعنی از حضرت جعفر طیاره پرسید، دین شما چیست؟ حضرت جعفر این گونه جواب داد؛ ای پادشاه ما یک قوم جاهل بودیم بت ها را پرستش مینمودیم. قدرتمندان ما بر ضعیف های ما ظلم مینمودند، خلاصه هر نوع عمل زشت را انجام میدادیم، در همین حالت خداوند لایزال، برای ما یک پیامبر فرستاد. آن پیامبر از قبل در میان ما به راستگویی، امین، پاکی معروف بود و قابل اعتماد بود، این پیامبر ما را به اسلام دعوت نمود، ما هم اسلام را قبول کردیم. بت پرستی، را ترک نموده و به خداوند واحد ایمان آوردیم، همچنان اعمال زشت دیگر را نیز ترک نمودیم. در عین حال در نزد نجاشی حضرت جعفر طیار قرآن کریم نیز خواند و در مورد حضرت عیسی (ع) عقیده سالم و درست را بیان نموده، برای نجاشی یاد آور شد که حضرت عیسی (ع) پسر خدا نه، بلکه پیامبر خدا میباشد. نجاشی هم پیامبر بودن حضرت عیسی (ع) را قبول نمود.^۴ بعد از این محاوره نجاشی، مهاجرین را به سفیران قریشی تسلیم ننموده و همچنان هدیه های آنها را نیز برایشان مسترد نمود. در نتیجه سفیران قریش ناکام و دست خالی به مکه برگشتند.^۵ به اساس منابع تاریخی هم زمان در خانه حضرت جعفر طیار و نجاشی فرزند تولد میشود. خانم حضرت جعفر فرزند نجاشی را شیر میدهد. پس میان هر دوی آن روابط برادری شیری بوجود می آید.^۶ البته باید خاطر نشان ساخت زمانی که حضرت پیامبر (ﷺ) حضرت جعفر را به حبشه روان کرد برای دعوت نجاشی به اسلام یک مکتوب نیز به آن روان نموده بود. در عین حال در این مکتوب از نجاشی خواسته بود که با مسلمانان مهاجر برخورد خوب کند.^۷

به باور یکی از نویسندگان عصر جدید عراقی محمد شیت خطاب نجاشی اول به واسطه حضرت جعفر طیار مسلمان گرید. در رابطه به زمان مسلمان شدنش تاریخ دقیق ارائه نمی کند اما به گونه احتمالی همین سال پنجم

^۳ ابن هشام، السیرة النبویة، ۱: ۳۳۶-۳۳۳.

^۴ ابن هشام، السیرة النبویة، ۱: ۳۳۶-۳۳۳.

^۵ ابن هشام، السیرة النبویة، ۱: ۳۳۶-۳۳۴. محمد حمیدالله، پیامبر اسلام، ترجمه. صالح طوغ (انقره: بنی شفق، ۲۰۰۳)، ۱: ۲۹۹-۳۰۰.

^۶ حمیدالله، پیامبر اسلام، ۱: ۳۰۱.

^۷ ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، تاریخ الطبری (بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۵/۱۹۶۵)، ۲: ۶۵۲. محمد حمیدالله، الوثائق السیاسیة (بیروت: دارالفنایس، ۱۹۸۷)، ۱۰۰، مکتوب شماره ۲۱. خطاب، سفراء النبی، ۱: ۵۳.

بعثت را تذکر میدهد.^۸ منابع دیگر بدون تفکیک در میان نجاشی اولی و دومی فقط از مسلمان شدن نجاشی یاد آور میشوند.^۹

دومین رابطه با دولت حبشه

بعد از صلح حدیبیه حضرت پیامبر (ﷺ) قسمیکه به دول دیگر سفیر فرستاد، حبشه را نیز در این برنامه قرار داد. حضرت عمر بن امیه الضمری را با دو مکتوب به عنوان سفیر به نجاشی فرستاد.^{۱۰} در یکی از این مکتوب ها نجاشی را به اسلام دعوت نموده بود و همچنان از نجاشی خواسته بود که مسلمان های مهاجر در حبشه را به مدینه روان کند.^{۱۱} و در مکتوب دیگر از نجاشی خواسته شده بود تا ام حبیبه دختر ابوسفیان را خواستگاری نموده و در عقد نکاح پیامبر (ﷺ) در آورد.^{۱۲} ام حبیبه "رض" همراه شوهرش عبدالله بن جهش با دیگر مهاجرین یکجا به حبشه هجرت کرده بود. عبدالله بن حبش در آنجا نصرانی شده و بعداً وفات نموده بود به همین دلیل خانم اش ام حبیبه در آنجا تنها مانده بود.^{۱۳}

به نظر محمود شیت خطاب حضرت پیامبر (ﷺ) عمرو بن امیه الضمری را به نجاشی دوم روان نموده است.

به گفته وی اسم این نجاشی اصحمه بوده است. در مورد اینکه نجاشی دوم در کدام تاریخ به قدرت رسیده تاریخ دقیق ارائه نمیکند. همچنان از تاریخ وفات نجاشی اولی تاریخ دقیق تذکر نمیدهد. فقط به شکل احتمالی تذکر میدهد که نجاشی دوم قبل از غزوه بدر یعنی قبل از سال دوم هجری به قدرت رسیده است.^{۱۴}

نجاشی دوم در اواخر سال ششم هجری با تسلیم مکتوب دعوت پیامبر (ﷺ) که توسط عمر بن امیه الضمری آورده شده بود.^{۱۵} در حضور حضرت جعفر طیار مسلمان گردیده بود.^{۱۶}

^۸ خطاب، سفراء النبی، ۱: ۱۶-۴۲.

^۹ طبری، تاریخ الطبری، ۲: ۶۴۴، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری (بیروت: دار صادر، ۱۹۶۸)، ۱: ۲۵۸.

^{۱۰} ابن هشام، السیره النبویه، ۲: ۶۰۶.

^{۱۱} محمد عبدالحی الکتانی، التراتب الاداریه (بیروت، شرکت دارالارقم، بی تا)، ۱: ۱۸۲.

^{۱۲} ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱: ۲۵۹.

^{۱۳} ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱: ۲۵۹. حمیدالله، پیامبر اسلام، ۱: ۳۰۲.

^{۱۴} خطاب، سفراء النبی، ۱: ۳۶.

^{۱۵} خطاب، سفراء النبی، ۱: ۱۶-۴۷.

^{۱۶} ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱: ۲۵۹. طبری، تاریخ الطبری، ۲: ۶۵۱.

اما مسلمانی خود را بخاطر ترس از قوم خود پنهان نموده بود.^{۱۷} این نجاشی به حضرت پیامبر (ﷺ) هدیه های مختلف ترتیب نموده روان کرده بود.^{۱۸} در عین زمان نجاشی تذکر داده "که اگر توان رفتن به نزد پیامبر (ﷺ) را میداشتم، حتما به خدمتش میرفتم".^{۱۹} ام حبیبه (رض) ازدواج با پیامبر (ﷺ) را قبول نموده نجاشی وی را در مقابل ۴۰۰ دینار مهر که از طرف خود پرداخت کرده بود، برای پیامبر(ص) نکاح نمود.^{۲۰} ازدواج به طور وکالت در سنت عملی پیامبر (ﷺ) در خصوص ازدواج با ام حبیبه دیده میشود. فقها هم با اتکا به این سنت پیامبر (ﷺ) وکالت در ازدواج را جایز میدانند.^{۲۱}

برای فرستادن مهاجرین به مدینه دو کشتی آماده نموده و در اختیار مهاجرین قرار داد این دو کشتی آنها را به مدینه منوره آورد.^{۲۲} نجاشی آن دو مکتوب پیامبر (ﷺ) را در میان دو بوتل شیشه ای قرار داده به طور یادگار آنها را نگهداری نموده بود. وقتی خبر این برخورد نجاشی به پیامبر (ﷺ) رسید این گونه فرمودند. "تا زمانی که این دو مکتوب در حبشه باشد، در آنجا خیر و برکت خواهد بود".^{۲۳} نجاشی دوم در سال نهم هجری وفات نموده است.^{۲۴} برای این نجاشی حضرت پیامبر (ﷺ) در مدینه منوره در منطقه البقیع^{۲۵} نماز جنازه غیابی خوانده است.^{۲۶} در مورد خواندن نماز جنازه غیابی میان فقها نظریات مختلف است. نزد احناف جنازه غیابی جایز نیست. آنچه برای نجاشی انجام شده نماز جنازه غیابی، مخصوص نجاشی بوده است.^{۲۷} احناف استدلال میکنند که اگر نماز جنازه غیابی جائز میبود مردمان دور دست به پیامبر (ﷺ) حضرت ابوبکر، عمر، عثمان و علی رض غیاباً نماز جنازه میخواندند.^{۲۸} مالکی ها هم در این موضوع با احناف موافق اند.^{۲۹} نزد شافعی ها خواندن نماز جنازه غیابی

^{۱۷} ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم الاندلسی، *جوامع السیره* (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا)، ۲۴.

^{۱۸} خطاب، *سفر النبی*، ۲: ۳۲۹.

^{۱۹} ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ۱: ۲۲۹.

^{۲۰} ابوبکر احمد بن علی الرازی الجصاص، *شرح مختصر الطحاوی* (بی جا: دار البشائر الإسلامیه، ۲۰۱۰)، ۵: ۲۸۷.

^{۲۱} برهان الدین محمد بن احمد البخاری الحنفی، *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی* (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴)، ۳: ۶۱.

^{۲۲} ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ۱: ۲۵۹.

^{۲۳} ابن سعد، *الطبقات الکبری*، ۱: ۲۵۹. *الکتابانی، الترتیب الاداریه*، ۱: ۸۲.

^{۲۴} خطاب، *سفر النبی*، ۱: ۳۶.

^{۲۵} ابن حزم، *جوامع السیره*، ۲۵.

^{۲۶} بخاری، "جناز" ۵۳-۵۶. علاء الدین ابوبکر بن مسعود بن احمد کاسانی، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع* (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۶)، ۱: ۳۱۱.

^{۲۷} ابوبکر محمد بن سهل احمد سرخسی، *المبسوط* (بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۹۳)، ۲: ۶۷. کاسانی، *بدائع الصنائع*، ۱: ۳۱۲.

^{۲۸} ابوالحسن احمد بن محمد بن احمد بن جعفر، *التجرید للقدوری* (قاهره: دارالسلام، ۲۰۰۶)، ۳: ۱۱۰۹.

^{۲۹} ابن رشد الحفید، ابوالولید محمد بن احمد القرطبی، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد* (قاهره: دارالحديث، ۲۰۰۴)، ۱: ۲۵۶.

جواز دارد.^{۳۰} حنبلی ها هم همچون شافعی نماز جنازه غیابی را جایز میدانند.^{۳۱} البته شرایط هم در مورد دارند از جمله تا یک ماه بعد از وفات میت میشود که بر وی جنازه غیابی خواند همچنین میت در شهر دیگر قرار داشته باشد.^{۳۲}

تا این دم ما شاهد روابط مثبت دولت حبشه با مسلمان ها خصوصا مهاجرین و دولت مدینه بوده ایم. با وجود این روابط مثبت ما شاهد برخورد منفی نجاشی با دولت مدینه نیز هستیم که در این مورد اسناد معتبر در اختیار داریم.

در جنگ تبوک سفیر دولت روم با پیامبر (ﷺ) در تبوک دیدار نمودند. پیامبر (ﷺ) از برخورد منفی نجاشی با سفیر و مکتوبش برای سفیر دولت روم یاد آوری نمودند. این موضوع در مسند امام احمد چنین روایت شده است. "يَا أَيُّهَا تَنُوحُ، إِنِّي كَتَبْتُ بِكِتَابٍ إِلَى كِسْرَى فَمَرَّفَهُ، وَاللَّهُ مُرَّفُهُ، وَمُرَّقٌ مُلْكُهُ، وَكَتَبْتُ إِلَى النَّجَاشِيِّ بِصَحِيفَةٍ، فَحَرَفَهَا وَاللَّهُ مُحْرِفُهُ، وَمُحْرَقٌ مُلْكُهُ".^{۳۳}

امام مسلم نیز در صحیح خود موضوع را چنین نقل میکند. «أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ إِلَى كِسْرَى، وَإِلَى قَيْصَرَ، وَإِلَى النَّجَاشِيِّ، وَإِلَى كُلِّ جَبَّارٍ يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»، وَأَيْسَ بِالنَّجَاشِيِّ الَّذِي صَلَّى عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.^{۳۴}

محمد حمیدالله پاکستانی از محققین مهم عصر جدید با اتکاب روایات فوق در این مورد نظر خود را چنین ابراز میدارد. احتمالا بعد از وفات نجاشی دوم نجاشی سومی به قدرت رسیده باشد، همین نجاشی سوم، با سفیر حضرت پیامبر (ﷺ) برخورد بد نموده و مکتوب حضرت پیامبر (ﷺ) را پاره نموده است.^{۳۵} دانشمند مذکور در مورد منابع تاریخ اسلام در رابطه به حبشه این نظر را نیز ابراز میدارد "منابع تاریخی ما در رابطه به حبشه دارای کمبود و نقصان است".^{۳۶}

^{۳۰} ابو عبدالله محمد بن ادريس بن عباس، الام (بيروت: دارالمعرفة، ۱۹۹۰)، ۶: ۲۲۲. کاسانی، بدائع الصنائع، ۱: ۳۱۲.

^{۳۱} ابوالحسن علاءالدين على بن سليمان الحنبلي المرزاوي، الانصاف (بي جا: داراحياء التراث العربي، بي تا)، ۲: ۵۳۳.

^{۳۲} محمد بن صالح بن محمد بن سليمان بن عبدالرحمن عثيمين تميمي نجدی، شرح الممتع على زاد المستقنع (بي جا: دار ابن الجوزي، ۲۰۰۱)، ۵: ۳۴۵.

^{۳۳} احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس بن عبدالله الشيباني المروزي البغدادي، مسند، تحقيق. شعيب ارنوط و دیگران (بي جا: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱)، ۲۴: ۴۱۷.

^{۳۴} مسلم، "جهاد وسير" ۱۷۷۴.

^{۳۵} حمیدالله، پیامبر اسلام، ۱: ۳۰۵-۳۰۶.

^{۳۶} حمیدالله، پیامبر اسلام، ۲: ۱۰۲۹.

متن مکتوب های فرستاده شده از طرف حضرت پیامبر (ﷺ) به دولت حبشه و جوابات دولت حبشه

این مکتوب است که حضرت جعفر طیار با خود به حبشه برده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى النَّجَاشِيِّ الْأَصْحَمِ مَلِكِ الْحَبَشَةِ، سَلَّمَ أَنْتَ، فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ، أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ الْبُتُولِ الطَّيِّبَةِ الْحَصِينَةِ، فَحَمَلَتْ بِعِيسَى، فَخَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ رُوحِهِ وَنَفَخَهُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ بِيَدِهِ وَنَفَخَهُ، وَإِنِّي أَدْعُوكَ إِلَى اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَالْمُؤَالَاةَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَأَنْ تَتَّبِعَنِي وَتُؤْمِنَ بِالَّذِي جَاءَنِي، فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ، وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرًا وَنَفَرًا مَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِذَا جَاءَكَ فَأَقْرِهْمُ، وَدَعْ النَّجَّارَ، فَإِنِّي أَدْعُوكَ وَجُنُودَكَ إِلَى اللَّهِ، فَقَدْ بَلَّغْتُ وَنَصَحْتُ، فَاقْبَلُوا نُصْحِي، وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.^{٣٧}

میخواهم یاد آور شوم که به اساس روایت طبری مکتوب فوق را حضرت جعفر نه بلکه عمرو بن امیه الضمری در سال ششم هجری به حبشه برده است.^{٣٨} لیکن بدون وارد شدن به جزئیات موضوع میتوان گفت که بناء به قناعت یک عده از محققین برنده این مکتوب به حبشه حضرت جعفر طیار میباشد.^{٣٩}

جواب مکتوب از طرف نجاشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، مِنَ النَّجَاشِيِّ الْأَصْحَمِ بْنِ أَبِجْرَ

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، مِنَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الَّذِي هَدَانِي إِلَى الْإِسْلَامِ أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَلَغَنِي كِتَابُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِيمَا ذَكَرْتَ مِنْ أَمْرِ عِيسَى، فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ عِيسَى مَا يَزِيدُ عَلَيَّ مَا ذَكَرْتَ تُفَرِّقًا، إِنَّهُ كَمَا قُلْتَ، وَقَدْ عَرَفْنَا مَا بُعِثْتَ بِهِ إِلَيْنَا، وَقَدْ فَرَّقْنَا ابْنَ عَمِّكَ وَأَصْحَابَهُ، فَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ صَادِقًا مُصَدِّقًا، وَقَدْ بَايَعْتُكَ وَبَايَعْتُ ابْنَ عَمِّكَ، وَأَسْلَمْتُ عَلَى يَدَيْهِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بَابِي ارها بن الأصحم ابن أبجر، فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي، وَإِنْ شِئْتَ أَنْ آتِيكَ فَعَلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ مَا تَقُولُ حَقٌّ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.^{٤٠}

مکتوب ذیل توسط عمرو بن امیه الضمری به نجاشی دوم برده شده است

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَذَا كِتَابٌ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى النَّجَاشِيِّ الْأَصْحَمِ^{٤١} عَظِيمِ الْحَبَشَةِ سَلَامٌ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَأَمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَدْعُوكَ بِدَعَايَةِ اللَّهِ فَإِنِّي أَنَا رَسُولُهُ فَأَسْلِمُ تَسْلِمًا. يَا

^{٣٧} طبری، تاریخ الطبری، ٢: ٦٥٢. حمیدالله، الوثائق السياسية، ١٠٠ مکتوب شماره ٢١. خطاب، سفراء النبی، ١: ٥٣.

^{٣٨} طبری، تاریخ الطبری، ٢: ٦٥١.

^{٣٩} حمیدالله، پیامبر اسلام، ١: ٢٩٧. خطاب، سفراء النبی، ١: ٥٤، ٥٥، ٦٤.

^{٤٠} طبری، تاریخ الطبری، ٢: ٦٥٢. حمیدالله، الوثائق السياسية، ١٠٤ مکتوب شماره ٢٣؛ خطاب، سفراء النبی، ١: ٥٥.

^{٤١} به نظر محمود شیت خطاب نام این نجاشی "اصحم" نبوده بلکه "اصحمه" بوده است. برای معلومات بیشتر نگاه کنید به سفراء النبی، ١: ٣٦.

أَهْلِ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ: أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ، وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا، وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَمُقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ} "فَإِنْ أُبَيِّنْتَ فَعَلَيْكَ إِثْمُ النَّصَارَى مِنْ قَوْمِكَ".^{۴۲}

البته قابل یاد آوری است که متن مکتوب دومی که توسط عمر بن امیه الضعری در رابطه به خواستگاری و موضوع ازدواج حضرت پیامبر ص با ام حبیبه میباشد و به نجاشی فرستاده شده بود در دسترس قرار ندارد.^{۴۳}

جواب مکتوب از طرف نجاشی دوم

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) مِنَ النجاشي اصحمه

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَمَا بَعْدُ:

إِنِّي قَدْ رَزَّجْتُكَ امْرَأَةً مِنْ قَوْمِكَ وَعَلَى دِينِكَ وَهِيَ أُمُّ حَبِيبَةَ بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ وَأَهْدَيْتُ لَكَ هَدِيَّةً جَامِعَةً فَمِيصًا وَسَرَاوِيلَ وَعِطَافًا وَخُفَّيْنِ^{۴۴} سَادَجَيْنِ وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَتَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ".^{۴۵}

تحلیل عمومی

دفاع از باور و عقیده در هر جا ضروری است چنانچه حضرت جعفر طیار (رض) در برابر اتهامات نادرست قریش در پیشگاه نجاشی از مسلمانان دفاع شجاعانه نموده، این دفاع مورد پسند نجاشی هم واقع شده و در عین حال نجاشی را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. بناء مسلمان در هر زمان و مکان مکلف به دفاع از خود و عقیده خود میباشد.

ولی یک زن اگر کافر و رهبر دشمنان اسلام هم باشد ازدواج با دختر آن جایز است چنانچه ابوسفیان رهبری قریش را بدوش داشت اما پیامبر (ﷺ) با دختر آن ام حبیبه ازدواج کرد.

دولت اسلامی مکلف است تا مهاجرین خود را از کشور های دیگر به قلمرو خود دعوت نماید، چنانچه پیامبر (ﷺ) به عنوان رئیس دولت مدینه مهاجرین را از حبشه به مدینه دعوت نمود.

^{۴۲} حمیدالله، الوثائق السياسية، ۱۰۳ مکتوب شماره ۲۲. خطاب، سفراء النبي، ۱: ۶۳-۶۴.

^{۴۳} حمیدالله، الوثائق السياسية، ۱۰۶.

^{۴۴} برای معلومات بیشتر در مورد جوابات نجاشی نگاه کنید به الوثائق السياسية، ۱۰۶ شماره ۲۵ / سفراء النبي، ۱: ۶۷.

^{۴۵} حمیدالله، الوثائق السياسية، ۱۰۴ مکتوب شماره ۲۴؛ خطاب، سفراء النبي، ۱: ۶۷.

نتیجه

از بررسی روابط دیپلماتیک اولین دولت اسلامی و دولت حبشه نتایج ذیل بدست می‌آید:

۱- در سخت‌ترین روز برای مسلمانان دولت حبشه یگانه دولت بوده که برای آنها آغوش باز نموده و مهاجرین مظلوم را در خود جای داده است.

۲- حضرت پیامبر (ﷺ) با وجود ارسال مهاجرین نجاشی را نیز به اسلام دعوت نموده است.

۳- از آغاز روابط پیامبر (ﷺ) با حبشه در سال پنجم بعثت تا زمان وفاتشان با احتمال زیاد سه نجاشی بر تخت دولت حبشه تکیه زده است.

۴- نجاشی اولی و دومی عرف دیپلماتیک را مراعات نموده با سفیران پیامبر (ﷺ) و با پناه جویان رفتار بسیار زیبا نموده‌اند. اما نجاشی سومی عرف دیپلماتیک را مراعات نکرده و برخورد زشت نموده است. نجاشی اولی و دومی اسلام را نیز پذیرفته‌اند. لیکن بخاطر عدم اعتراض رعیتشان اسلام خود را پنهان نگهداشته‌اند. بنا به خدمات خالصانه که نجاشی‌ها به مسلمانان‌های مهاجر انجام داده بودند، بعد از وفات نجاشی دومی پیامبر (ﷺ) برای وی در مدینه منوره نماز جنازه غیابی خوانده است.

۵- حضرت جعفر طیار و عمر بن امیه الضمری "رض" به عنوان سفیران پیامبر (ﷺ) در اجرای وظایف خویش در مورد حبشه موفقیت بزرگ حاصل نمودند. دفاعیه و توانمندی حضرت جعفر طیار در مباحثه با نجاشی‌ها در قسمت اسلام و مسلمانان قابل ستودن است از سوی دیگر در این رابطه خارجی دولت مدینه محبت پیامبر (ﷺ) نسبت به مسلمانان‌ها هویدا می‌شود. زیرا زمانیکه مسلمانان‌ها در مکه در تنگنا بسیار زیاد قرار می‌گیرند. پیامبر (ﷺ) بخاطر نجات آنها از اذیت مشرکین، هجرت به حبشه را دستور می‌دهد. بعد از صلح حدیبیه که قدرت دولت مدینه افزایش پیدا می‌کند، مهاجرین را از حبشه به مدینه منوره فرا می‌خواند.

منابع

- احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس بن عبدالله الشيباني المروزي البغدادي، مسند. تحقيق. شعيب ارنوط و ديگران. بي جا: مؤسسة الرسالة، ٢٠٠١م.
- ابن اثير، ابوالحسن عزالدين على بن محمد الشيباني الجزري. *الكامل في التاريخ*. بيروت: دار صادر، ١٩٦٥م.
- ابن حزم، ابو محمد على بن احمد بن سعيد بن حزم الاندلسي. *جوامع السيرة*. بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- ابن هشام، ابو محمد جمال الدين عبدالملك بن هشام. *السيرة النبوية*. تحقيق. مصطفى سقاء و ديگران. قاهره: مصطفى الحلبي، ١٩٥٥.
- ابن رشد الحفيد، ابوالوليد محمد بن احمد القرطبي. *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*. قاهره: دارالحديث، ٢٠٠٤.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد. *الطبقات الكبرى*. بيروت: دار صادر، ١٩٦٨.
- الكتاني، محمد عبدالحى. *التراتب الادارية*. بيروت: شركة دارالارقم، بي تا.
- بخارى، ابوعبدالله محمد بن اسمعيل. *الجامع الصحيح*. بي جا: دار طوق النجاة، ١٩٩٦/١٤٢٢.
- جصاص، ابوبكر احمد بن على الرازي. *شرح مختصر الطحاوى*. بي جا: دار البشائر الاسلامية، ٢٠١٠/١٤٣١.
- حنفى، برهان الدين محمد بن احمد البخارى. *المحيط البرهاني فى الفقه النعمانى*. بي جا: دارالكتب العلمية، ٢٠٠٤/١٤٢٤.
- حميد الله، محمد. *پيامبر اسلام*. مترجم. صالح طوغ، انقره: ينى شفق، ٢٠٠٣.
- حميدالله، محمد. *الوثائق السياسية*. بيروت: دارالنفائس، ١٩٨٧.
- خطاب، محمود شيت. *سفر النبى*. بيروت: ريان، ١٩٩٦.
- سرخسى، ابوبكر محمد بن سهل احمد. *المبسوط*. بيروت: دارالمعرفة، ١٩٩٣.
- سرخسى، ابوبكر محمد بن سهل احمد. *شرح السير الكبير*. بي جا: الشركة الشرقية للاعلانات، ١٩٧١.
- شافعى، ابو عبدالله محمد بن ادريس. *الام*. بيروت: دارالمعرفة، ١٩٩٠.

طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير. تاريخ الطبرى. بيروت: دارالتراث، ١٣٨٥/١٩٦٥.

عثيمين، محمد بن صالح بن محمد. شرح الممتع على زاد المستقنع. بي جا: دار ابن الجوزى، ١٤٢٢/٢٠٠١.

كاسانى، علاءالدين ابوبكر بن مسعود بن احمد. بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع. بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٨٦.

مسلم، ابوالحسين مسلم بن حجاج بن مسلم النيشاپورى. الجامع الصحيح. بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٩١.